



مشکل جامعه فلسفی ما فقدان نظریه پرداز است/ فیلسوفان امروزی جامعه شناس، روان شناس، تاریخ دان و دین پژوه آماتور هستند

یک محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی با بیان اینکه بسیاری اندیشه های فلسفی که اکنون منتسب به غرب است در تاریخ فلسفی ایران پیش تر مطرح شده بود...

یک محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی با بیان اینکه بسیاری اندیشه های فلسفی که اکنون منتسب به غرب است در تاریخ فلسفی ایران پیش تر مطرح شده بود، گفت: آنچه که باعث می شود تا فلسفه در فرهنگ ایرانی نمود پیدا نکند این است که در این فرهنگ بر خلاف غرب نظریه پرداز وجود نداشته است و این بدان می ماند که همه امکانات شکل گرفتن یک بنا و مصالح آن وجود داشته باشد ولی کسی به عنوان معمار در جامعه پیدا نشود.

دکتر محمد بقایی ماکان درباره مشکل اساسی ضعف فلسفی در جامعه ایرانی به خبرنگار مهر گفت: مشکل جامعه فلسفی ما نبودن نظریه پرداز است تا از امکانات موجود دستگاه های فلسفی پدید آورد. در اروپا فلسفه shy& می توان به عنوان فلسفه shy& های آشکار نام برد، اما در فلاسفه جهان در این قاره سربرآوردند و فلسفه shy& های آنها را می shy& می توان به عنوان فلسفه shy& های آشکار نام برد، اما در کشورهای دیگر مثل ایالات متحد که ظاهراً میانه shy& ای هم با فلسفه ندارند و فیلسوفی از میان shy& شان برنخاسته فلسفه shy& ای پنهان جریان دارد که مردم سرزمین پیرو آند و برخلاف آنچه تصور می shy& شود فلسفه shy& ای بسیار قوی و موثر دارند و آن عبارت است از ایده گرایی ماتریالیست.

وی افزود: این فلسفه با وجود نانوشته بودن آن فلسفه shy& ای است که قدرتمندترین کشور جهان بر اساس آن حیات خود را پیش می برد. بنابراین فلسفه در جهان به هر صورت به سیر طبیعی خود ادامه می shy& دهد اما در شرق که منظور شرق اسلامی است تحت تأثیر اندیشه shy& هایی است که گرچه ظاهراً فلسفه نامیده می shy& شود ولی در واقع ایدئولوژی است که می shy& توان آن را همان حکمت دانست.

این نویسنده و پژوهشگر تصریح کرد: در حوزه فلسفه هر چیزی و هر اندیشه ای مورد چون و چرا قرار می shy& گیرد. ولی کلمه فلسفه وقتی دارای پسوند می shy& شود در دایره shy& ای معین محدود می shy& گردد و دیگر تعریف خاصی که برای فلسفه پذیرفته شده در مورد آن صادق نیست. حقیقت این است که آنچه فلسفه اسلامی یا فلسفه مسیحی و امثال اینها خوانده می shy& شوند در واقع زیر عنوان حکمت قرار می shy& گیرند و حکمت عبارت است از اندیشه shy& هایی آمیخته با آموزه های دینی که در نهایت می shy& توان آنها را تفکرات تثبیت شده دانست. بنابراین برای آنچه فلسفه دینی نامیده می shy& شود جای چون و چرا، نقد و احتمالاً نفی وجود ندارد و در گفت وگوهای گسترده بدان میزان گشوده نیست که در فلسفه به طور عام باز است.

این محقق و پژوهشگر مسائل فرهنگی یادآور شد: فلسفه بعد از دکارت در واقع از جامعیت خود دور و به حوزه shy& های مختلف تقسیم شد، در نهایت فیلسوفانی با تأملات و ویژگی shy& های معین پدید آمدند که مشخص shy& ترین آنها در زمینه های تاریخ، جامعه شناسی، هنر و دین است. امروز می shy& توان فیلسوفان را بر همین اساس طبقه بندی کرد. مانند دوره قبل از دکارت دیگر فیلسوفانی پیدا نمی shy& شوند که در همه علوم زمان خود تبحر داشته باشند و ما شاهد یک دستگاه فکری باشیم چنانکه افلاطون و ارسطو بودند. فیلسوفان امروزی را در واقع می shy& توان جامعه شناس، روان شناس، تاریخ دان، هنر شناس و دین پژوه آماتور دانست که در زمینه shy& هایی از این دست بسیار چون و چرا می shy& کنند بی shy& آنکه در آن حوزه تخصص لازم را داشته باشند.

وی افزود: در آثار ادبی و فرهنگی ایرانی نکات و نظرات فلسفی کم نیست. برای مثال نشانه shy& هایی از تفکر هرمنوتیک را می shy& توان در سدهای کشف کرد و بسیاری اندیشه shy& های فلسفی که اکنون منتسب به غرب است در تاریخ فلسفی ایران پیش تر مطرح شده اما آنچه که باعث می shy& شود تا فلسفه در فرهنگ ایرانی نمود پیدا نکند این است که در این فرهنگ بر خلاف غرب نظریه shy& پرداز وجود نداشته و این بدان می shy& ماند که همه امکانات شکل گرفتن یک بنا و مصالح آن وجود داشته باشد ولی کسی به عنوان معمار در جامعه پیدا نشود.

بقایی ماکان یادآور شد: جامعه ایرانی بر اساس شواهد تاریخی هیچ گاه متمایل به فلسفه نبود و به شعر بیش از فلسفه علاقه نشان

می shy& داد. ذهن ایرانی را می شود به پروانه shy& ای تشبیه کرد که در یک بوستان مدام از گلی بر گل دیگر می shy& نشیند و هیچ گاه بر یک شاخه اقامت دائم ندارد. به همین سبب در طول تاریخ فرهنگی ایران جز یک یا دو تن، هرگز چهره shy& ای ندیده shy& ایم که دارای دستگاه فلسفی منسجمی باشد یا آنکه نظری عمیق و دور از تأثیرات فلسفی یونان از خود مطرح کرده باشد. شاید از همین روست که در فرهنگ عامه ایرانی هر اندیشه دست نیافتنی و غیرقابل فهم را به شعر و فلسفه نسبت می shy& دهند و با این عبارت معروف که فلانی فلسفه می shy& بافد یا شعر می shy& گوید نظر کلی را در این مورد ابراز کرده اند.